بسم الله الرحمن الرحیم

پدافند غیر عامل و آسیب شناسی فکری حوادث

پدافند غیر عامل به مجموعه تدابیر برای کاهش آسیب‌ها و آلام و عوارض حاصل ازحوادث ناخوشایند طبیعی و غیر طبیعی گفته می‌شود، از جمله آسیب‌های حوادث، تلفات معرفتی درحوزه باورها و عقاید انسان است، تصحیح باورها، و تبیین صحیح ماهیت بلاها ومصیبت‌ها از منظر قرآن و روایات می‌تواند به کاهش آسیب‌های فکری ناشی از ملایمات کمک کند و سرمایه انسانی پدافند غیر عامل را دربرابر سختی‌ها فعال، مقام و خلاق نگه دارد، دراین نوشتار با روش تحلیلی و با استناد به قرآن و روایات به پاره‌ای از آسیب‌های فکری حوادث پرداخته شده و راه‌های برون رفت از این آسیب‌ها مورد بررسی قرارگرفته است.

آسیب، بلا، قرآن، شر، انسان

مقدمه:

از لحظه‌ای که آدمی برخاک پا نهاد خود را هم آغوش رنج و رنجوری یافت و دریافت که حیات آکنده از خوشی و نیکی و نیالوده به ناگواری‌ها و ناسازگاری‌ها آرزویی دست نیافتنی است. تلخی‌ها و تندخویی‌های زندگی همواره ذهن آدمی را به خود مشغول کرده است. آیا ماهیّت خیر و شرّ یکی است؟ آیا مبداء خوبی و بدی و احداث و یا این دو از دو مبداء متخاصم و متفاوت برآمده است؟ آیا می‌تواند به مبدأیی قادر، حکیم و عادل باور داشت؟ که آفرینشی آلوده به شر و بدی ساز کند؟ و آفریدهٔ ممتاز خود یعنی انسان را در آشوب چنین خلقتی رها سازد؟

این پرسشهای دیرپا هیچگاه رنگ نمی‌باشد و همواره پا به پای حوادث شکل خود را تغییر ولی هسته خود را حفظ کرده تشدید و باز آفرین می‌شود، این پرسشها که هر چند گاه با حوادث تلخ جان تازه می‌گیرند در صورتیکه پاسخ مناسب خود را دریافت نکنند باورها را طوفانی وعقاید را در هم می‌کوبند.

هدف از پدافند غیر عامل کاستن ازآسیب‌های حاصل ازحوادث ناخوشایند است آسیب‌ها همیشه از جنس خاک، آب، تأسیسات زیر بنایی نیست؟ آسیب‌هایی که باورهای آدمی را درهم می‌شکند، خرافه‌ها را جایگزین حقایق می‌سازد اگر بیشتر از سرمایه‌های مادی نباشد از آنها کمتر نیست، براستی چه فرد یا نهادی عهده دار برآورد آسیب‌های فکری وعقیدتی حاصل از ناملایمات است؟ کدام سازمان باورهای خرافی و کج اندیشی‌های حاصل از مصائب را رصد و فراوانی پرسشهای آزار دهنده را شمارش و تحلیل می‌کند و پاسخ درخور آن ها را جستجو می‌کند؟

بایسته است آسیب‌های باور سوز حوادث شناسایی شود مراد ازاین آسیب شناسی مطالعه علمی آسیب‌ها و اختلال‌هایی است که مانع عملکرد صحیح و مناسب و قابل انتظار یک مجموعه نظام و یک ارگانیزم می‌شود (ابوالقاسمی و فرمیهنی، ۱۸۴، ص ۱۳۷) ازاین رو آسیب شناسی فکری مطالعه علمی هر باور خرافی و غلطی است که درپی بروز حوادث جان تازه می‌گیرند و نظام فکری انسان را دچار اختلال می‌کند و مانع شکوفایی استعدادها شده انسان را منفعل و غیر کارا می‌کند.

بی‌تردید سرمایه انسانی اصلی ترین مؤلفه پدافند غیر عامل است، حفظ و مصون سازی این سرمایه تعیین کننده پدافند غیر عامل به شناخت صحیح و معرفت مطابق با واقع تکیه دارد. سرمایه انسانی خلاق و کارآمد و معرفت مطابق با واقع و مقبول است، برای پیشگیری از باورهای مشوش و مخرب مصائب تبیین صحیح حوادث و

تصحیح باورهای خرافی و غلط امری ضروری است دراین مقاله پاره‌ای ازاین آسیب‌ها معرفی و راه‌های برون رفت ازآن‌ها مورد بررسی قرار گرفته است این جستار در موضوعات ذیل بیان شده است. توهّم ثنویت، عدم تفکیک حوادث، نا آگاهی ازعلل معنوی حوادث، و پیامدهای مثبت بَلایا.

۱-توهّم ثنویت

وقتی آدمی عنایت الهی به آفریده‌گان را باور داشته ولی خود را با ناکامی‌های حاصل از حوادث روبرو می‌بیند طبیعی است خیرمطلق بودن خداوند را در تعارض دست وپا کند. بنابراین پس از تصمیم موجودات جهان را به خوب وبد برای هر یک خالقی جداگانه قائل می‌شود، دلیل او این است که مخلوق خداوند باید با او سنخیت داشته باشد پس خدای خیر نمی‌تواند با خدای شرّ یکی باشد، خدای خیر، خیر است و خدای شرّ، شر (مکارم، ۱۳۷۳، ج۳، ص ۳۱۵)

پایه شبهه «ثنویه» (روئالیستی) وجود ناملایمات است که مانع رسیدن انسان به مطلوب‌ها می‌شود، وجود ناملایمات ازیک سو بری بودن خداوند به عنوان خالق هستی از تمامی نقصها و بدیها ایجاد می‌کند.

از سوی دیگر درنظام فکری رخنه‌ای ایجاد می‌کند.

از سوی دیگر درنظام فکری رخنه‌ای ایجاد می‌کند که پر کردن آن برای برخی جز با ثنوی‌گرایی امکان پذیر نیست.(مطهری، ۱۳۷، ص ۱۵۸)

متکلمین مسلمان با تحلیلی ماهیت بدیها آن‌ها را اموری عدمی دانسته‌اند و گفته‌اند بدیها چیزی جز نبود برخی اموری وجودی نیستند، برای نمونه کوری همان عدم بینایی ومرگ عدم حیات است بنابراین شرور به دلیل ماهیت عدمی خود از فاعل بی‌نیازند به عبارت دیگر خوبیها وخیرها عین هستی و بدی‌ها وشرور عین نیستی هستند و یا هستی که مستلزم نوعی نیستی است، منع دیگر ازعلم ظلم و شر است زیرا مانع و موجب فقدان علم می‌شود درجهان یک موجود بیش نیست و آن خوبیهاست پس خالق بدی معنا ندارد (سعیدی مهر، ۱۳۷۶، ص ۲۰۰)، خداوند وجود را جعل کره و نیستی که منشأ شر است نمی‌تواند مخلوق و مجعول خداوند باشد در نتیجه شر تبعی و طفیلی وجود است و اگر گفته شود چرا خداوند چیزی را ایجاد می‌کند درحالیکه می‌داند آن چیز نیستی دربر دارد؟ در پاسخ گفته می‌شود آنچه را شرّ می‌دانیم هزاران خیر درپی دارد خود داری از آفرینش هزاران خیر خود شر بزرگی است(سبحانی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۵).

اگر حوادث ناگوار و و جود اموری به نام شرور موجب کج اندیشی بـه نـام ثنویـت شـده و مـی‌شـود. ورود برای پیشگیری ازاین کج روی اعتقادی از وظایف پدافند غیر عامل است.

۲-عدم تفکیک حوادث

گرفتار آمدن درغرقاب رنج‌ها و تلاطم زورق حیات در امواج بلاها داوری انسان‌ها را متـأثر مـی‌کنـد و همـه آنچه او را از نیل به مطلوب باز می‌دارد را به خداوند نسبت می‌دهد گویا این طبیعت ثانوی آدمیان شده کـه هـر آنچه را نمی پسندد به دیگری نسبت دهد شکستها و تلخیها که نتیجه استفاده سوء از علم و قدرت و اختیار است را به عاملی بیرون از خویش و به قدرتی خارج از طبیعت نسبت می‌دهد و حـال آنکـه آنچـه انسـان را از نیـل بـه هدف باز می‌دارد و به شر، بدی، ناپسندی نام برداشته است (پلانتیجا، ۱۳۷۶، ص ۳۵) به دو گونه طبیعـی و غیـر طبیعی (اخلاقی) تقسیم می‌شود.

شرّ طبیعی همچون زلزله، سیل، طوفان، امراض ناعلاج بدون عامل انسانی و شـر اخلاقـی و غیـر طبیعـی ماننـد دزدی، جنگ، غارت وقتل نتیجه عامل انسانی است (هاسپرز، ۱۳۷۰، ص ۱۱۸) حتـی آنچـه بـه آن شـر طبیعـی گفته می‌شود را نمی‌توان مطلق از دخالت اراده انسان خارج کرد که در همین مقالـه تحـت عنـوان علـل معنـوی حوادث مورد بررسی قرار خواهیم داد شرّ اخلاقی پی‌آمد استفاده نادرست انسان از موهبتهایی مثل علم، قدرت، اختیار است که خداوند برای او قرار داده است و درحد خود لطف وکمال است.

[«مـا أَصـابَكَ مِنْ حَسَـنَةٍ فَمِـنَ اللَّهِ وَمـا أَصـابَكَ مِنْ سَـيِّئَةٍ فَمِـنْ نَفْسِـكَ وَأَرْسَـلْناكَ لِلنَّـاسِ رَسُولاً وَكَفى بِاللَّهِ شَهيداً» (آری،) آنچه از نیکیها به تو می‌رسـد، از طـرف خداسـت و آنچـه از بدی به تو می‌رسد، از سوی خود توست. و ما تو را رسـول بـرای مـردم فرسـتادیم و گـواهی خـدا دراین باره، کافی است!»] (نساء/۷۹)

اینکه سیئات را به خود انسان نسبت می‌دهد به خاطر آن است که این امکانات را از اهدافی که خدا به خـاطر آن آفریده منصرف می‌سازد، (مکارم، ۱۳۷۱، ج۴، ص ۴۵۸).

مشکلات امروز جهانی همچون مشکل محیط زیست، آلودگی صوتی، جنگ و تجاوز و نا امنی، فقر وبیماری با یک نگاه عمیق به تجاوز انسان ازحدود اختیارات خویش باز می‌گردد. اگر بین حوادث غیر طبیعی کـه اراده انسانی درکار است وحوادث طبیعی تفکیک شود و تمامی بلایا به یک عامل طبیعی نبست داده شود مثلاً جنـگ و ناامنی حادثه‌ای درردیف رعد و برق و طوفان به حساب آید انسان هر کسی که با ظلم خویش جنگ و غارت

و ناامنی را تحمل کرده است برای همیشه از کیفر درامان می‌ماند و این به جری شدن وگسترش ظلم کمک می کند و ازطرف دیگر انسان به علل پیدایی مصائب نمی‌اندیشد چون عامل همه آن‌ها را طبیعت می‌داند پس همیشه تسلیم و منفعل خواهد ماند و در همین شرایط است که بدبینی نسبت به خداوند وجود او را پر می کند، این بدبینی او را در برابر بندگی خداوند به عصیان وا می دارد و به رنج‌های سهمناک تری دچار می‌سازد.

بر اساس آنچه گفته شد نویسنده معتقد است ازمسئولیت‌های پدافند غیر عامل تفکیک مصائب درذهن آسیب دیده‌هاست، و باید به آن ها کمک کرد تا مصائب دست ساخته بشر را از مصائب طبیعی جدا کنند و آن‌ها را برای پیشگیری مصائب اخلاقی که محصول بی‌توجهی به حقوق بشر و بی‌عاطفه شدن انسان‌ها وحاصل خوی سلطه‌گری است آماده سازند تا روح مطالبه حقوقشان از بین نرود و روحیه انظلام بر آن‌ها چیره نگردد قرآن همین دلیل جهاد و دفاع از حقوق را نه تنها تجویز بلکه واجب کرده است و درآیه دفاع نکردن و بی توجهی به متجاوز را از جمله عوامل فساد در زمین دانسته است.

[«وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ» «اگر خداوند، بعضی از مردم را به وسیله بعضی دیگر دفع نمی کرد، زمین را فساد فرامی گرفت»].(بقره/۲۵۱)

بهرحال مقدمه دفع تجاوز شناسایی متجاوز و یافتن علل مصائب غیرطبیعی است.

۳-بد فهمی نسبت به قضاو قدر

چه بسیارند رخدادهای تلخی که انسان‌ها برای آرامش خود و یا برای دلجویی از دیگران آن‌ها را به قضا و قدر و سرنوشت حواله می‌دهند، هر چند ممکن است روان‌ها با واژه سرنوشت قاب خود را افزایش دهند ولی از یاد نبریم مجرمانی که جرم خود را درپس دو واژه قضا و قدر و زیر عنوان سرنوشت پنهان کرده‌اند و به جای سرزنش و نکوهش پاداش گرفته‌اند و اراده خدا قلمداد شده‌اند ودم از موهبتهای الهی زده‌اند ازاین روست که محروم از موهبت الهی باید دربرابر تقدیر خداوند صابر، شاکر و راضی باشد آنکه فهم درستی از قضا وقدر ندارد بر علل حوادث ناگوار (اخلاقی و طبیعی) چشم می‌بندد نه به خود حق می‌دهد به ظلم و متجاوز اعتراض کند و نه جردت دارد دربارهٔ علل حوادث طبیعی بیندیشد در نتیجه خودو حیات خود را به باد حوادث می‌برد وتسلیم ***خونخواره سرنوشت می‌شود از آنجا که تبیین صحیح قضا و قدر به کاهش آسیب‌های حوادث تلخ می‌ماند ازمسئولیت‌های حوزه پدافند غیر عامل است آنچه در این قسمت می‌آید تبیین کوتاهی ازقضا و قدر است.

اصل ضرورت علّی و معلولی و اصل سنخیت علّی و معلولی ازاصول عقلی و متعارفه همه علوم است (طباطبائی، ۱۴۱۷، ص ۸۷)

معنای اصل اول این است که هر حادثه ای علت دارد و معنای اصل دوم این است که هر حادثه ای ضرورت و قطعیّت و شکل و اندازه وکیفیت خود را از علت خود می‌گیرد اگر سنخیت‌مان علت ومعلول شرط نباشد بایستی صدور همه چیز از همه چیز امکان پذیر باشد ولی ما هرگز نخواهیم دید از نطفه موش گربه تولید شود و از تخم گل سرخ هندوانه ایجاد گردد (جعفری، بی تا، ص ۱۲۷)

پس هر عاملی که بجنبد واثری از خود بروز دهد تحت قانون عمومی علیت است و ممتنع است که خداوند بلا وسطه درحو.ادث جهان موثر باشد، قضا به معنای «فیصله دادن» وقدر به معنای «اندازه و تعیین» چیزی جز قانون عمومی علیت و سنخیت علت و معلول نیست بنابراین هر آنچه رخ دهد و ایجاد شود مظهری از مظاهر قضا و قدر است، چون وقوع همه چیز د رعلم خداوند فضیلت یافته پس همه چیز مقضی به قضای الهی است و ازآن جهت که اندازه مکانی و زمانی آن معین شده مقدر به تقدیر خداوند است وتقدیر هر پدیده از پدیده‌های دیگر بوجود می‌آید یعنی تقدیر و قضای خداوند با واسطه تحقق می‌یابد (مصباح، ۱۳۷، ص ۲۰۹)

با توجه به آنچه بیان شد هر ناکامی و ناملایمی که رخ دهد چه عامل آن انسان باشد یا طبیعت خداوند به آن دانا می‌باشد اگر بگوئیم خداوند فقط به خود حادثه علم داشته است علم خداوند را محدود کرده‌ایم پس باید بگوئیم خداوند به تمام حوادث و مقدمات آن ها علم دارد از جمله مقدمات افعال اختیاری انسان اراده و تصمیم و نظارت انسان است یعنی خداوند به وقوع جنگ، غارت دزدی ومقدمات آن که نتیجه اراده و تصمیم انسان است علم دارد و به علل حادثه طبیعی مثل سیل – زلزله و چگونگی زمان و مکان آن‌ها داناست این علم به ویژگی های حوادث طبیعی و انسانی همان تقدیر علمی است که هر پدیده‌ای مقدر به آن است (مصباح، ۱۳۷، ص ۲۰۹)

همه حوادث اعم از انسانی یا طبیعی معلول علیت یا علتهایی است بنابراین انسان باید بکوشد هر چه بیشتر آن علتها را تحت محاسبه درآورد تا در زندگی بلا موفقیت بیشتری روبرو شود و هر مقدار که ناتوان وعاجز باشد در همان مقدار مجبور خواهد بود و کوچکترین مسئولیتی نخواهد داشت (جعفری، بی تا، ص ۲۵۷) هیچ حادثه‌ای نمی‌تواند خارج از قضا و قدر الهی باشد ساختن منازل محکم و تغییر مسیرسیل و مصون سازی انسان دربرابر حوادث قضا و قدر الهی و سستی و سهل انگاری دربرابر حوادث و آسیب خوردن از آن ها نیز قضا وقدر

الهی است زیرا هر دو مورد معلول عللی هستند که وظیفه انسان شناسایی آن علـل و جلـوگیری از قضـا و قـدر و مضر تحقق قضا و قدر مفید است.

در توضیح مطلب مثالی می‌زنم، وقتی جنگی صورت می گیرد این جنگ معلول عللی انسانی اسـت وشـکل و نوع جنگ هم به مقدمات و شکل و نوع علل آن بستگی دارد بنابراین وقوع جنگ قضا وقـدر الهـی اسـت ولـی اگر با پا درمیانی دو متخاصم بر سر میز مذاکره می‌نشستند یا اگر فرد جنگ طلب حـذف مـی‌شـد جنگـی اتفـاق نمی‌افتاد این هم قضا وقدر الهی است و اگر در مقابل سیل منازل مسکونی بنا نمی کـردیم و مسـیر طبیعـی آب را باز می گذاشتیم امکانات ازبین نمی رفت این قضا وقدر الهی است و اگر مسیر آب را با ساختمان مسدود کردیم و دچار سیل شدیم این هم قضا و قدر الهی است؛ این تبیین قضا وقدراراده انسان را نادیده نمی گیرد و آدمـی را در برابر حوادث تسلیم و منفعل نمی کند و آسیب‌ها را کاهش می‌دهد.

اصبغ بن نُباته گوید: علی ﷺ از پای دیور کجی برخاست و پای دیوار دیگری نشست همینکه به او اعتراض کردند که می‌خواهی ا زقضا وقدر الهی فرار کنی جواب فرمود: از قضا به قدر او پناه می‌برم.(صدوق۱۳۸۶، ص ۵۶۸)

یعنی دوری ازخطر پرهیز از امر خواست به امر خدا و فرار از قضای الهـی اسـت بـه قضـای الهـی(مطهـری، ۱۳۷۳، ص ۹۶)

نا آگاهی از علل معنوی

گفته شد قضا این است که هر حادثهای چه طبیعی یا انسانی از ناحیه علل و اسباب خود حتمیّت پیدا می کند و قدر این است که هر حادثه حدود و مشخصات خود را از علل خود کسب می کنـد. وچـون هـر حادثـه بـا علـل گوناگون سر و کار دارد پس سرنوشت های مختلف درانتظار آن است یعنی امکان جانشـین شـدن یـک سلسـله علل درکار هست بنابراین سرنوشتها می‌توانند جانشین یکدیگر شوند اگر بیمار دارو بخورد و شفا یابد به موجب قضا و قدر است و اگر دارو نخورد و از بین برود باز به موجب قضا وقدر است (مطهری، ۱۳۷۳، ص ۳۹۴) ولی باید توجه داشت که سلسله علل و معلولات جهان منحصر درامور مادی و محسوس نیسـت گـاهی علـل معنـوی علل مادی را تحت الشعاع قرارمی دهد همانگونه که گاهی علل مادی یکدیگر را خنثی می کنند.

در جهان بینی الهی علل معنوی جزء عوامل موثر درجهان اند، تا زمانیکه جزء اخیر علت تامـه تحقـق نیابـد و نتیجه پیش بینی شده تحقق پیدا نکند ممکن است عاملی موجب نقصی در علل شور و مانع جزء اخیر علت تامـه

شود –براین پایه است که در روایات آمده است برخی رفتارهای انسان تقدیرات را تغییر می‌دهد مثلاً صله رحم عمر را طولانی و صدقه و احسان بلا را رفع می‌کند(مصباح ۱۳۷۳، ص ۲۱۰) در قرآن به این حقیقت اشاره شده است.

[«وَإِذْ يُرِيكُمُوهُمْ إِذِ الْتَقَيْتُمْ فِي أَعْيُنِكُمْ قَلِيلاً وَيُقَلِّلُكُمْ فِي أَعْيُنِهِمْ لِيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْراً كَانَ مَفْعُولاً وَ إِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ» (انفال /۴۴) «و در آن هنگام (که در میدان نبرد،) با هم رو به رو شدید، آنها را به چشم شما کم نشان می‌داد و شما را (نیز) به چشم آنها کم می‌نمود تا خداوند، کاری را که می‌بایست انجام گیرد، صورت بخشد (شما نترسید و اقدام به جنگ کنید، آنها هم وحشت نکنند و حاضر به جنگ شوند، و سرانجام شکست بخورند!) و همه کارها به خداوند باز می‌گردد».]

مردمی با قدرت کمتر ولی مصمم و حق‌گرا بر مردم پر مدعا و قدرتمند ولی حق ستیز پیروز می‌شوند.

تأثیر علل معنوی بر علل مادی که از مظاهر قضا وقدر است درایجاد امید ونشاط و در ایجاد اطمینان واعتماد و توکل بر خدا بسی کار ساز است درپدافند غیر عامل باید این حقایق که وحی ازآن‌ها پرده برداشته است برای عموم مردم تبیین شود و نیز باید توجه داده شود که ظلم، بی‌عدالتی و بی اخلاقی از جمله عوامل موثر درحوادث تلخ عالم است که در قرآن و روایات بر آن تأکید شده است.

[«ظَهَرَ الْفَسادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِما كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» (روم/۴۱) «فساد، در خشکی و دریا بخاطر کارهایی که مردم انجام داده‌اند آشکار شده است خدا می‌خواهد نتیجه بعضی از اعمالشان را به آنان بچشاند، شاید (بسوی حق) بازگردند!»]

فساد در زمین و دریا به معنای این است که زمین و دریا صلاحیت خود را که تأمین زندگی بشر است به خاطر کج روی های انسان از دست می‌دهد

[«فَكَذَّبُوهُ فَنَجَّيْناهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلْكِ وَجَعَلْناهُمْ خَلائِفَ وَأَغْرَقْنَا الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآياتِنا فَانْظُرْ كَيْفَ كانَ عاقِبَةُ الْمُنْذَرِينَ» «امّا آنها او را تکذیب کردند! و ما، او و کسانی را که با او در کشتی بودند، نجات دادیم و آنان را جانشین (و وارث کافران) قرار دادیم و کسانی را که آیات ما را تکذیب کردند، غرق نمودیم! پس ببین عاقبت کار کسانی که انذار شدند (و به انذار الهی اهمیّت ندادند)، چگونه بود!» (یونس/۷۳)]

[وَأَخَذَ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دِيارِهِمْ جاثِمِينَ و کسانی را که ستم کرده بودند، صیحه (آسمانی) فروگرفت و در خانه‌هایشان به روی افتادند و مردند.] (هود/۶۷)

[«وَكَذٰلِكَ أَخْذُ رَبِّكَ إِذا أَخَذَ الْقُرىٰ وَهِيَ ظالِمَةٌ إِنَّ أَخْذَهُ أَلِيمٌ شَدِيدٌ» «و اینچنین است مجازات پروردگار تو، هنگامی که شهرها و آبادیهای ظالم را مجازات می‌کند! (آری،) مجازات او، دردناک و شدید است!»] (هود/۱۰۲)

[«كُلَّما أَحْدَثَ الْعِبادُ مِنَ الذُّنُوبِ مالَمْ يَكُونُوا يَعْمَلُونَ أَحْدَثَ اللهُ لَهُمْ مِنَ الْبَلاءِ مالَمْ يَكُونُوا يَعْرِفُونَ» «هر زمان بندگان گناهان تازه ای را ابداع کنند خداوند بلاهای تازه و ناشناخته‌ای بر آن‌ها مسلط می‌سازد»](مکارم، ۱۳۷۱، ج۴، ص ۴۶۷ به نقل از بحار الانوار)

و یا از امام باقر علیه السلام روایت شده است

وَاذا مَنَعوا الزَّكاةَ مَنَعَتِ الأَرْضُ بَرَكاتِها مِنَ الزَّرْعِ وَالثِّمارِ وَالْمَعادِنِ. .... وَ اذا نَقَضوا العَهْدَ سَلَّطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ عَدُوَّهُمْ. ....»

هرگاه مردم منع زکات کنند زمین برکات خودرا از زراعت ومیوه و معادن همگی از آن‌ها باز می‌دارد و هنگامی که پیمان شکنی کنند خداوند دشمنانشان را بر آن‌ها مسلط می‌کند » (همو، ص ۴۶۸)

پیامدهای مثبت بلایا

همه می‌کوشند تمایلات خود را برآورده کنند ولی این تمایلات بی حد ومرز که شعاع روح انسان است می‌تواند درجهان مادی ارضاءشود شؤون وجودی انسان و عوامل طبیعت خواسته‌های نا محدود را اجابت نمی‌کند و همواره چراغ خواسته ها از وزش باد درامان نیست (جعفری، بی تا، ص ۲۷۰)

در جهان بینی قرآن جهان مادی مقدمه جهان برتری به نام آخرت است وغایت انسان با آخرت معنا پیدا می‌کند، شناخت غایت و هدف زندگی در شکل‌گیری رفتار و اعمال انسان نقش اساسی دارد.

در قرآن بیش از ۱۴۰۰ آیه مربوط به معاد و جهان پس از مرگ وجود دارد، معاد ارتباط تنگاتنگی با حیقت انسان دارد بنابراین قرآن انسانی را که معرفی می‌کند دوساحتی است ترکیبی از بدن مادی و حقیقتی به نام روح انسانی، خواسته‌ها وتمایلات برآمده از روح انسانی ازجمله میل به جاودانگی و عشق به هستی و بیزاری از نیستی و میل به مطلق با ماهیّت دنیای مادی تناسبی ندارد.

و بر اساس حکمت الهی باید این امیال در عالم که رنج و تعب درآن نباشد ارضاء شود و الا وجود این تمایلات درانسان امری عبث و بیهوده خواهد بود و خداوند حکیم از کار عبث مبرّا است (فیض، ۱۳۷۷، ح۲، ص ۱۰۱۹ و امام خمینی رحمه الله ۱۳۸۷، ص ۱۸۶).

با این نگاه راه برای کنار آمدن انسان با ناملایمات هموار می‌شود دنیا پرورشگاه، محل تمرین وممارست، مزرعه ومحیط شکوفا سازی استعدادها و کسب ویژگی‌هایی است که برای زندگی آخرت به کار می‌آید، و خداوند حکیم نهاد آدمی را برای جاودانه شدن درحیات اخروی سرشته است این بینش هیچ پدیده‌ای حتی حوادث ناخوشایند را عبث نمی داند و تلاش می کند از بلایا مرکبی برای رسیدن به مقصود بسازد.

پرهیز از جزئی گری

ازاین رو باید دانست و دیگران را دانا کرد که برخی بدبینی‌ها وکج اندیشی‌ها نسبت به بلایا به جزئی نگری انسان بر می گردد درست مثل کسی که وارد ساختمان زیبایی می‌شود و لذت می‌برد ولی با دیدن چاه فاضلاب بر می‌آشوبد وقضاوت خود نسبت به ساختمان عوض می کند بی خبر از بخشهای دیگر وجود چاه را کاستی می‌پندارد در حالی که اگر ازهدف حفر چاه آگاهی می‌داشت داوری او متفاوت می‌شد (سبحانی، ۱۳۸۹، ج۱، ص ۱۲۴)

قرآن متذکر می‌شود که معلومات انسان اندک است.

[«وَما أُوتيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلاَّ قَليلاً» « و جز اندکی از دانش، به شما داده نشده است!»] (اسراء/۸۵)

قدر نعمت در سایه سلب نعمت است

از طرفی پی بردن به ارزش داشته ها که در زبان شرع ازآن به نعمت یاد می‌شود در سایه سلب نعمت است، نزدیکی به ذات پاک حق از طریق شکر نعمت‌های اوست برای شاکر کردن انسان توجه به نعمت امروز پروری است و توجه به نعمت با سلب آن است (مکارم، ۱۳۷۱، ص ۴۸)

[«قُلْ مَنْ يُنَجِّيكُمْ مِنْ ظُلُماتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ تَدْعُونَهُ تَضَرُّعاً وَخُفْيَةً لَئِنْ أَنْجانا مِنْ هذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرينَ» «بگو: «چه کسی شما را از تاریکیهای خشکی و دریا رهایی می‌بخشد؟ در حالی که او را با حالت تضرع (و آشکارا) و در پنهانی می‌خوانید (و می گویید:) اگر از این (خطرات و ظلمتها) ما را رهایی می‌بخشد، از شکرگزاران خواهیم بود.»] (انعام/۶۳)

گویا این گروه قبل ازگرفتاری در ظلمات هولناک دریا و صحرا هرگز ارزش نور و امنیت را نمی‌دانستند اما به هنگام سلب این نعمت به یاد مبدء آن می‌افتند.

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: آفات به نیکوکار و بدکار هر دو می‌رسد و خداوند هر دو را مایه اصلاح آن‌ها قرار می‌دهد و درمورد صالحون می‌فرماید:

[«اَمَّا الصّالِحونَ فَاِنَّ الَّذی یُصیبُهُم مِن هذا یَرُدُّهُم نِعَمَ رَبِّهِم عِندَهُم فی سالِفِ اَیّامِهِم فَیَحمَدوهُم ذلِكَ عَلَی الشُّكرِ وَالصَّبرِ»« ما نیکوکاران آنچه به آن‌ها می‌رسد مایه تذکر نعمتهای پروردگار شان نزدآن‌ها در ایام گذشته است و این موضع آن‌ها را به شکر و صبر وا می‌دارد »](مکارم، ۱۳۷۱، ص ۴۸۵ به نقل از بحار الانوار، ج۳، ص ۱۳۹)

بلاها استعدادها را شکوفا می‌کند

به همین دلیل گفته می‌شود اکسیرحیات دوچیز است یکی عشق و دیگری بلا، این دو نبوغ آخرین است و گوهرهای درخشان را از مواد بی فروغ به وجود می‌اورند (مطهری، ۱۳۷۳، ص ۱۸۲)

اختراعات و اکتشافات وترقی علمی و تسعه تمدنها همگی حاصل درگیر شدن و دست و پنجه ترم کردن انسان‌ها با مشکلات و مصائب است.

مصائب عامل بازگشت است

مربی دور اندیشی ومدبر عواقب رفتار نا بجا را به نوآموز می‌چشاند تا در تیرگی غفلت وتاریکی فراموشی سرمایه خود را نسوزاند.

عبارت های «لعلهم یرجعون»، «لعلهم یتضرعون» و«لعلهم یضرعون» لعلهم یذکرون در آیات زیر از این سنت الهی حکایت می کند.

[«وَما أَرْسَلْنا فی قَرْیَةٍ مِنْ نَبِیٍّ إِلاَّ أَخَذْنا أَهْلَها بِالْبَأْساءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ یَضَّرَّعُونَ»«و ما در هیچ شهر و آبادی پیامبری نفرستادیم مگر اینکه اهل آن را به ناراحتیها و خسارتها گرفتار ساختیم شاید (به خود آیند، و به سوی خدا) بازگردند و تضرع کنند»]

[«ظَهَرَ الْفَسادُ فِی الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِما كَسَبَتْ أَیْدِی النَّاسِ لِیُذیقَهُمْ بَعْضَ الَّذی عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ یَرْجِعُونَ» «فساد، در خشکی و دریا بخاطر کارهایی که مردم انجام داده‌اند آشکار شده است خدا می‌خواهد نتیجه بعضی از اعمالشان را به آنان بچشاند، شاید (بسوی حق) بازگردند»](روم /۴۱).

[«وَلَقَدْ أَخَذْنا آلَ فِرْعَوْنَ بِالسِّنینَ وَنَقْصٍ مِنَ الثَّمَراتِ لَعَلَّهُمْ یَذَّكَّرُونَ»«و ما نزدیکان فرعون (و قوم او) را به خشکسالی و کمبود میوه‌ها گرفتار کردیم، شاید متذکر گردند!»]

نتیجه:

فعالیت‌های پدافند غیر عامل بر کاهش آسیب‌های حوادث ناگوار متمرکز شده است.

ولی تعریف آسیب‌ها به گونه‌ای رقم خورده است که از بسیاری ازآن‌ها غفلت می‌شود و اکثر فعالیت‌ها بر کاستن از آسیب‌های ملموس و محسوس دور می‌زند ولی آسیب های فکری، تلفات عقیدتی و پیامدهای منفی حوزه باور انسان‌ها باید درپدافند غیر عامل مورد توجه قرار گیرد، پاره‌ای از آسیب‌های فکری حوادث عبارت است از

بی توجهی به آثار و پیامدهای مثبت بلایا، عدم تفکیک حوادث طبیعی از غیر طبیعی، غفلت از علل معنوی حوادث توهم ثنویت و نا آگاهی ازقضا وقدر درپدافند غیر عامل برای هریک از این پیامدهای منفی حوادث باید راه حل مناسب و معقولی به زبان ساده و روان بیان ونگاشته شود.

منابع

۱- ابوالقاسمی، محمد جواد و فرمیهنی فراهانی، محسن، (۱۳۸۴)، **آسیب شناسي توسعه فرهنگ دینـي**، تهران، انتشارات عرش پژوه.

۲- پلانتینجا، الوین، (۱۳۷۶)، خدا، **اختیار و شر**، قم، انتشارات طه.

۳- جعفری، محمد تقی، (بی تا)، **جبر و اختیار**، قم، دار التبلیغ اسلامی.

۴- سبحانی، جعفر و محمد رضایی، محمد، (۱۳۸۹) **اندیشه اسلامي**، دفتر نشر معارف.

۵- صدوق، محمد بن علی بن بابویه(۱۳۸۶)، **التوحید**، ترجمه محمـد علـی سـلانی، قـم، انتشـارات ارمغـان طوبی.

۶- طباطبائی، محمد حسین، (۱۴۱۷)، **بدایة الحکمة**، قم، موسسه النشر الاسلامی.

۷- فیض کاشانی، محسن، (۱۳۷۷) **علم الیقین في اصول الدین**، قم، منشورات بیدار.

۸- مصباح، محمد تقی، (۱۳۷۳)، **معارف قر**آن، قم، موسسه درراه حق.

۹- مطهری، مرتضی، (۱۳۷) **انسان وسرنوشت**، قم، نشرصدرا.

۱۰-مطهری، مرتضی، (۱۳۷۳)، **مجموعه آثار**، ج۱، قم، انتشارات صدرا.

۱۱-مکارم، ناصر، (۱۳۷۳) **پیام قرآن**، جلد سوم، قم، مدرسه امیرالمؤمنین علیه‌السلام.

۱۲-موسوی خمینی(ره) امام، سید روح الله، (۱۳۷۸)، **شرح چهل حدیث**، تهـران، موسسـه تنظـیم و نشـر آثـار امام خمینی (ره)

۱۳-هاسپرز، جان، (۱۳۷۰) **فلسفه دیـن**، ترجمـه محمـد محمـد رضـایی، قـم، مرکـز موالسـات و تحقیقـات اسلامی.